



شهید غفاری اسوه مقاومت و ایثار در راه خدای متعال بود

به گزارش ایرنا، آیت الله غفاری در سال 1335 در آذرشهر دیده به جهان گشود و از همان کودکی به علت از دست دادن پدر برای امرار معاش خانواده کار می کرد و علاقه زیادی به فراگیری دانش داشت.

هفته د، ماه نادر، محاهدت هاء، محاهد نسته، اسوه مقاومت ه اثنا، شهدآت الله شهد 'شخ حس، غفاری،' است.

به گزارش ایرنا، آیت الله غفاری در سال 1335 در آذرشهر دیده به جهان گشود و از همان کودکی به علت از دست دادن پدر برای امرار معاش خانواده کار می کرد و علاقه زیادی به فراگیری دانش داشت.

وی در زادگاه خود مقدمات را فرا گرفت و برای ادامه تحصیل نزد علمای بزرگ تبریز مشغول به تحصیل شد و پس از چندی به قم رفت.

آیت الله غفاری با شور و حال مشغول کسب دانش دینی شد و با درایت و جدیت کفایه و خارج مکاسب را آموخت.

وی پس از 11 سال راهی تهران شد و از سال 1340 فعالانه به افشاگری مظالم رژیم ستم شاهی پرداخته و در افشای نیرنگ خائنانه انجمن های ایالتی و ولایتی گامی مؤثر برداشت و به خاطر جدیت در مبارزه بارها از سوی رژیم شاه دستگیر شد.

شهید غفاری در زندان هم آرام ننشست و با روحیه ای بالا به فعالیت های خود ادامه می داد و در زندان کلاسی جهت کسب معارف الهیه ایجاد کرد و عاشقانه به ائمه اطهار متوسل شد و رفتار او در زندان چنان تأثیری داشت که منافقین و حتی تعدادی از سران مارکسیست هم از عقایدشان دست برداشتند.

آن زمان آسمان درغم از دست دادن ستاره ای دیگرچهره درهم کشیده خاطرات او را از پیش روی می گذراند و غمگانه می سراید که آیت الله غفاری رحمه الله مردی بی باک که دستی توانا در عمران و آبادی و حنجره ای آزاد در بیان حق و عزمی یولادین در برابر شکنجه های طاغوت داشت.

عبادت و شب زنده داری رمز جاودانگی مردان خداست و عشق به خلوت با معبود از جلوه های زیبای اخلاقی آیت الله غفاری به شمار می رود که در سنین نوجوانی امامت جماعت مسجد محراب (قاضی) را در زادگاه خود به عهده می گیرد و به راز و نیاز با معبود خویش می ایستد و شب های دراز و تاریک با نجوای عاشقانه به صبح سپری می کند.

شهید غفاری با همه خوش رفتار بود و نام هیچ کس حتی بچه ها را بدون پیشوند آقا و خانم صدا نمی زد و به همه سلام می کرد. او در محیط خانواده به دلیل وجود فشارهای اقتصادی که افراد خانواده تحمل می کردند بیشتر از خود خوش رفتاری نشان می داد در کارهای خانه کمک می کرد.

مجاهد نستوه آیت الله غفاری هرگاه برای سخنرانی بالای منبر می رفت از گفتن هیچ حقیقتی که چهره کریه و اسلام ستیز شاه را نمایان کند فروگذار نمی کرد و با صراحت و شجاعت پرده از چهره پلید شاه بر می داشت.

آیت الله غفاری درآبان 1353 به دلیل برخورد با مأموران رژیم دادگاهی و محکوم به زندان شد که در بازجویی از او پرسیده بودند که چرا به زندان آورده شدید؟ پاسخ داده بود نمی دانم. پرسیده بودند چند بار به زندان آمده اید؟ پاسخ داده بود نیامده ام آورده اند.

آیت الله غفاری درس آموخته مکتب عاشورا بود و ولایت پذیری شمشیر بُرنده او به شمار می آمد و عشق و ارادت بسیاری به حضرت امام رحمه الله داشت و هر لحظه با اوج گیری مبارزات آتش عشق او به حضرت امام رحمه الله بیشتر می شد که جمله معروف و تاریخی 'دشمن خمینی رحمه الله کافر است' از بیانات توفنده این بزرگ مرد قهرمان می باشد.

وی از ابتدا گوش به دستورات امام رحمه الله سپرده و به امر ایشان در سال 1335 به تهران آمده بود و در مبارزات همگام با مقتدای خویش پیش رفته و هرگاه دستگیر زندانی یا بازجویی می شد نام امام را با احترام می برد و البته بیشتر شکنجه می شد ولی می گفت فکر می کنم تنها کسی که می تواند ایران را نجات بدهد حضرت امام خمینی رحمه الله است.

روحیه قوی شهید غفاری در زندان شکست بزرگی برای دشمن و قوت قلبی برای زندانیان در بند بود او بیشتر از همه شکنجه می شد ولی به رغم کهولت سن بیشتر از همه هم کار می کرد و به دیگران خدمت می کرد همین موضوع سبب تغییر رویه بسیاری از زندانیان فریب خورده از اندیشه های منحرف و بیداری آنان می شد و سبب محبوبیت او نزد زندانیان می شد.

اساس شجاعت عشق به شهادت است و شجاعت راستین آن هنگام معنا می یابد که طومار آن با شهادت پیچیده شود شهید غفاری همواره می گفت که شهادت تحفه ای است از جانب خداوند متعال که به بندگان هدیه می شود و با این جمله رؤیای شوم اهریمن را تیره تر می ساخت.

شهید غفاری عاقبت کار خود را می دانست و هرگز از آن ترسی به دل راه نمی داد بلکه آرزوی این هدیه آسمانی را می کشید و این اندیشه سخت اهریمن را عذاب می داد. شهید غفاری نه از شکنجه می رمید و نه از مرگ می هراسید و شهادت آرزوی بزرگ او بود تا در خون خویش بغلطد. از این رو هرگز از شکنجه های رژیم خم به ابرو نمی آورد و ذره ای ترس به دل راه نمی داد و در پاسخگویی به بازجویان ساواک علناً می گفت: من عالماً و عامداً به این راه آمده ام و من برای دفاع از مشی حسین بن علی علیه السلام به این راه قدم گذاشته ام.

رژیم ستم شاهی به خوبی دریافته بود که چاره ای جز از میان برداشتن شهید غفاری ندارد چرا که او زندان را نیز به سنگری دیگر برای مبارزه با رژیم تبدیل کرده بود او را به شدت مضروب ساخته بودند و تصمیم به قتل او داشتند.

شهید غفاری در واپسین ملاقات با خانواده اش می گوید: بالاخره دیدید که راه همین است این راه را رها نکنید.

فردای آن روز بدنش آن انسان وارسته و اسوه صبر و مقاومت در تابوتی که کف آن پر از خون بود تحویل دادند. بدنی که سراسر آن جای کبودی و شکستگی و سوختگی و حفره ای در جمجمه بود که با پنبه پر شده بود.

پیکر مطهر آن شهید صبح روز هفتم دی ماه سال 1353 در بین ازدحام دست های عاشقان راه خمینی رحمه الله در قبرستان دارالسلام قم به خاک سپرده شد.

پس از شهادت آیت الله غفاری در بین دست نوشته های دوران زندانش، به این غزل بر می خورند: عاشق چو رو به کعبه صدق و صفا کند / احرام خود ز کسوت صبر و رضا کند.

در پیش راه بادیه گیر، غریب وار / ترک عشیره و بلد و اقربا کند

از صدق چون قدم بنهد در فنای عشق / اول به پای دوست سر و جان فدا کند

آنجا که موقف عرفات محبت است / بر جای سنگریزه سر از کف رها کند

آن گاه دست و روی بشوید ز خون خویش / بر خیزد و نماز شهادت ادا کند

حضور در تهران بعنوان امام جماعت مسجد الهادی در سال 1334

مخالفت با طرح انجمنهای ایالتی و ولایتی در سال 1340 ، دستگیر و زندانی در قیام 15 خرداد 1342 ، بازداشت در سالهای 1345 و 1353 ، تبدیل مسجد الهادی به یکی از کانون های حساس مبارزه با رژیم شاه، دستگیری منجر به شهادت در سال 1353 ، تحمل شکنجه های وحشتناک ماموران ساواک از قبیل شکستن دندانها و دستها، سوزاندن پاها در روغن داغ از جمله فعالیت های این شهید والامقام می باشد .

دشمن خمینی کافر است نیز از جمله کلام شهید شاخص وی محسوب می شود.